

# ینما

شماره مسلسل ۳۶۲

سال سی و یکم

آبان ماه ۱۳۵۷

شماره هشتم

دکتر محمد علی اسلامی ندوشن  
استاد دانشگاه تهران

## انجمن دفاع از فرهنگ

چنین می‌نماید که در ایران امروز همه افراد آگاه - ولو دیدگاه‌های سیاسی متفاوت داشته باشند - در چند موضوع اصلی اتفاق نظر دارند، که از آن جمله است اختلال فرهنگی حاکم بر جامعه کنونی ایران. این اختلال فرهنگی که از سال‌های پیش آغاز شده است، همه‌شئون زندگی مردم را تحت تأثیر گرفته است. نتیجه آن است که اکنون اکثر خانواده‌ها از آینده فرزندان خود و از آموزش و تربیت آنها احساس نگرانی دارند. عده زیادی از مردم متمکن یا میانه -

\* این مقاله را به دقت مطالعه فرمائید. پیشنهاد استاد دکتر اسلامی را بپذیرید روی سخنم با برگزیدگان اهل ادب است. «ینما»

\* بقیه «یادداشت‌های سفر بلغارستان» در شماره بعد است.

\* شماره مسلسل در شماره شهریور ۳۶۱ است که به اشتباه ۳۶۲ چاپ شده.

حال به خارج از کشور مهاجرت کرده‌اند و سرمایه‌های هنگفتی از ایران به بیرون انتقال داده شده است، و کم نیستند جوانانی که به خرج ایران در کشورهای خارج درس خوانده‌اند و اکنون که بارآور شده‌اند رغبت بازگشت به وطن را در خود نمی‌بینند. تصویری که از ایرانی در خارج از ایران ترسیم شده است، مردمی « نوکیسه و نفت فروش » را نشان می‌دهد، در حالی که تا همین بیست سال پیش ایرانی بعنوان ملتی زحمتکش و نجیب و برخوردار از تمدنی کهن شناخته می‌شد. در میان نسل جوان امروز و فرهنگ گذشته کشورش ورطه عمیقی افتاده است و آنچه به نام فرهنگ - بخصوص از غرب - به کشور روی آورده است، نه از قسمت‌های ارزنده، بلکه از نوع ارزان و نامعقول آن بوده است، و از این رو به ریشه کن شدن فرهنگی و آشفته‌گی فکری کمک کرده است.

کسیختگی فرهنگ باعث شده است که مردم - خاصه در شهرهای بزرگ - نسبت به همدیگر احساس بیگانگی و بی‌اعتنائی بکنند و زندگی برای اکثریت ساکنان شهرها تو خالی و تلخ گردد، و با آنکه ایران کشوری نروتمند شناخته شده است و غنا و تنوع طبیعی آن کم نظیر است، کم باشند کسانی که صبح دلخوش از خانه بیرون بروند و شب خشنود به خانه بازگردند.

تعداد طلاق و اختلاف خانوادگی، دعوای مالک و مستأجر، و انواع جرائم، از پانزده سال پیش به این سوبه رقم وحشت‌آوری رسیده است؛ بدانگونه که چندی پیش يك مقام مسئول دادگستری اعلام کرد که از هر سه نفر ایرانی يك نفر دارای پرونده‌ای در دستگاه قضائی است، یعنی در واقع هیچ خانواده‌ای نیست که گرفتار دعوائی در دادگستری نباشد.

از سوی دیگر چون دستگاه اداره کنند، اندازه شناسی را از حد گذرانده بوده است، به حکم قانون واکنش عده‌ای از مردم، بویژه جوان‌ترها در اندیشه‌های افراطی پناه گرفته‌اند، و بغض متراکم شده خود را به صورت رفتارهای تند و عصبی بروز می‌دهند. بر سر هم غلو نیست اگر بگوئیم که ایرانی در طی تاریخ خود

هیچگاه از لحاظ معنوی به اندازه این سالها کم تکیه گاه نبوده است . این بدان سبب است که آنچه در سالهای اخیر بر ایران گذشته ، بنیه فرهنگی او را به شدت تحلیل برده است و تا زمانی که سلامت اخلاقی و توازن فرهنگی به او بازنگردد نمی توان گفت که در مسیر اطمینان بخشی روبه راه دارد . اگر قبول داریم که انسان ها هستند که کشورها را می سازند و به راه میبرند ، باید ببینیم که این انسان ها قبل از هر چیز احتیاج به فرهنگی دارند که به آنها امکان بهره گیری از نیرو و استعداد خود را ببخشد .

روشن است که در این جا منظور از فرهنگ ، فرهنگ به مفهوم خاص یا فرهنگ کتابی نیست ، بلکه مجموع آموخته ها و دریافتهائی است که رابطه فرد را با اجتماع و با دنیای خارج بر پایه معقول و نمر بخشی قرار می دهد ؛ و به جامعه حس جهت یابی می بخشد .

بنابراین امروز که مقداری حرف آزادی در میان است و ملت ایران به راهی می رود که باید سر نوشت خود را در دست گیرد ، به همراه کوشش های دیگر ، کوششی از جانب خود مردم در راه تجدید بنیه فرهنگی نیز ضرورت تام می یابد ، خاصه آنکه نباید فراموش کنیم که آزادی را با فرهنگ ضعیف می توان به دست آورد ، اما نمی توان حفظ کرد .

اکنون پیشنهاد من این است که چون امکان تجمع فراهم گشت ، ایجاد يك « انجمن دفاع از فرهنگ » تحقق یابد ، مرکب از افراد با فضیلتی که نسبت به آینده این کشور احساس دلسوزی و نگرانی دارند . بنا به مثل معروف « مادر را دل سوزد و دایه رادامن » ؛ اینان کسانی هستند که جز ایران وطنی برای خود نمی شناسند و این کشور را تنها به خاطر چاه های نفتش نمی خواهند ، بلکه تاریخ و ادب و سجایای خوب و غنای فرهنگی و ارزش های معنوی آن برای آنها مایه دلبستگی است ، و آرزو مندند که فرزندان شان در همین آب و خاک و در يك ایران آبرومند و آزاد زندگی نمایند .

سؤال‌های عمده‌ای که از لحاظ فرهنگی در برابر ایران امروز قرار دارد می‌تواند بدینگونه باشد :

\* در قبال فرهنگ بیگانه که به سوی این کشور سرازیر شده است ، چه روشی باید در پیش گرفت ؟ بدیهی است که ماینجره‌های خود را به روی فرهنگ‌های دیگر نمی‌توانیم ببندیم ولی این را هم نمیتوانیم که حق انتخاب برای خود قائل نشویم و پذیرنده بی اراده و منفعل بمانیم .

\* شیوه آموزش خود را چگونه بگیریم تا بتواند انسانهایی برای فردا تربیت کند که آینده کشور را به کمک مغز و بازوی خود به راه ببرند ؟

\* چه انتظاری باید از عوامل فکری و تربیتی خود (چون کتاب ، مطبوعات ، رادیو و تلویزیون ، سینما و سایر هنرها) داشته باشیم ، تا این اطمینان برای ما حاصل گردد که از طریق آنها به بسط فکر و نیروی تعقل و استحکام اخلاقی و ایمان انسانی مردم کمک می‌شود ؟

\* چه راهی در پیش گرفته شود که هماهنگی با مقتضیات دنیای جدید ، مستلزم جدا ماندن از ارزش‌های واقعی فرهنگ کهن ایران نگردد ؟

\* و سرانجام ، چه باید کرد که موازنه‌ای در میان نیازهای مادی و نیازهای معنوی جامعه حفظ گردد ؟

آنچه انجمن می‌تواند بکند « بیدار کردن وجدان فرهنگی جامعه » است بدینگونه :

۱ - مطالعه عمقی در باره اجتماع کنونی ایران ، امر آموزش ، نابسامانیهای اقتصادی ، جرائم ، فحشاء ، مشکلات شهر تهران ، و خلاصه همه آنچه در امر فرهنگ و روحیه و تفکر مردم تأثیر می‌گذارد ؛ و انتشار نتیجه این مطالعه به صورت کتاب ، مقاله ، تشکیل مجامع بحث و سخنرانی .

۲ - ایجاد یک پل فرهنگی با کشورهای دیگر ، بخصوص کشورهای آسیائی و افریقائی که با ایران مسائل و آرزوهای مشابه دارند .

۳- توجه به غنای فرهنگ عامه و نیز کوشش در تطبیق فرهنگ گذشته ایران با مقتضیات امروز .

۴- افشاء جریان‌های ضد فرهنگ .

امیدواریم کسانی که ضرورت این اقدام را در اوضاع و احوال کنونی تصدیق دارند ، نسبت به موضوع حسن استقبال خواهند داشت .

این انجمن جنبه مستقیم سیاسی نخواهد داشت ، ولی از آنجا که فرهنگ از سیاست جدائی ناپذیر است ، نسبت به هیچ‌یک از مسائل کشور بی‌اعتنا نخواهد ماند ، و بخصوص شرط اول هر نوع سیر سالم ، و از جمله سیر فرهنگ را آن میدانند که نظام قانونی‌ای با پای بندی به حقوق مندرج در « قانون اساسی » و موازین حقوق انسانی ، اداره کشور را در دست داشته باشد .

شهر یور ۱۳۵۷



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی